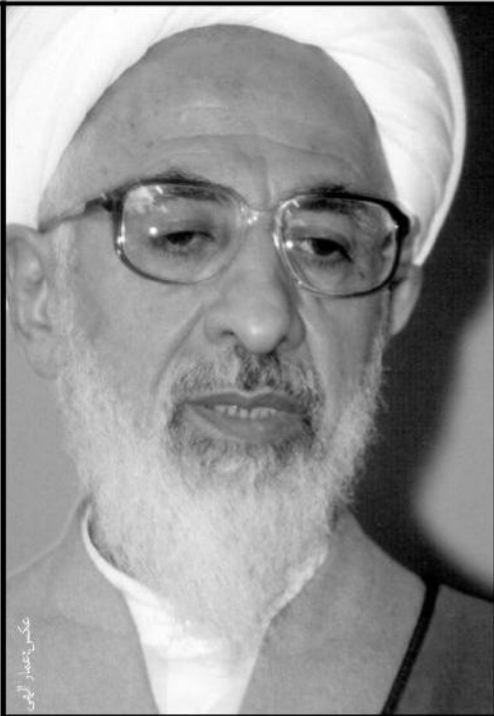


بدابه حال ما اگر با حسین بن علی علیه السلام دین خود را حفظ نکنیم

اشاره:

حضرت آیت الله جوادی آملی در مسجد اعظم قم در درس تفسیر قرآن و توضیح آیات پایانی سوره ابراهیم که برگزار می‌شود، طی سخنانی همه‌طلب علوم دینی و دلسوزان و علاقه‌مندان به مکتب اسلام را به تبلیغ و ترویج آرمان‌های ناب، دعوت فرمودند. مشروح این سخنان چنین است.



عکس: عبدالرحمن

... طنطاوی در جلد ۷ کتاب خود به ملاقاتش با «ادوارد براون» مستشرق انگلیسی اشاره می‌کند. این مستشرق هم‌عصر و هم دوره طنطاوی بوده. طنطاوی می‌گوید ادوارد براون به من گفت: «حکومت بریتانیا مرا مأمور نمود که به عنوان یک مستشرق و محقق و شرق‌شناس بررسی و تحقیق کنم تا ببینم که مسلمانان متحد هستند یا نه؟ و عوامل مؤثر همبستگی آنان را شناسایی کنم. پس از بررسی متوجه شدم در میان مسلمانان اختلافات جدی است. بعضی‌ها را دیدم که کسانی بودند که با روسیه جنگیده بودند ولی حاضر بودند با خودشان هم بجنگند. من این گزارش‌ها را به هیئت حاکمه انگلستان گزارش کردم»

شما دیدید که کسی نتوانست این جمعیت‌ها و توده‌های مسلمان را متحد کند، تا این‌که به زمان حضرت امام (ره) رسید. سر موسای کلیم در براندازی فراعنه، خون‌های پاک جامعه بود، به برکت (یذبحون ابناءکم و یستحیون نساءکم) بود که موسای کلیم در برابر ظلم زمانه‌اش پیروز و موفق شد. امام (ره) هم به برکت خون‌های پاک جامعه بود که نتوانست این انقلاب را به ثمر برساند و زمان و زمین را از خرافه و جهل و ظلم پاک کند. همه ما باید تلاش و همت کنیم که جامعه را از جهل و خرافه دور کنیم. وظیفه علما و طلاب است که اسلام را معرفی کنند. مدد علماء آن است که شهید و شهادت را راه می‌اندازد. اگر جامعه را از جهل و خرافه دور نکنیم، بر سر انقلاب همان می‌آید که بنی‌امیه بر سر اسلام آوردند. «یوریحان بیرونی در کتاب «تحقیق ماللهند» در صفحات ۹۵ و ۹۶ جریانی را نقل می‌کند که تکان دهنده است. می‌گوید: «معاویه بعد از سال ۵۰ هجری در بلاد و مناطقی که

فتح می‌کرد و هر کجا بت پرستان وجود داشتند، بت‌های آنان را می‌گرفت و پس از آن که بت‌ها را به ضلای و جواهر مزین و مرصع و مطلق و مزیف می‌کرد، با کشتی به هندوستان می‌فرستاد و برای کسب ثروت و درآمد، بت‌ها را به سلاطین بت‌پرست هند می‌فروخت. بر همین اساس یکی از مهم‌ترین عوامل ترویج بت‌پرستی در هندوستان معاویه است. او برای کسب ثروت و درآمد این کار را می‌کرده است.» ببینید جانشین و خلیفه پیامبر اسلام برای کسب ثروت بت‌ها را احیاء می‌کرده است. این فرد (معاویه) آمد و گفت «مملکت بده دیانت!» کار به اینجا رسیده بود که سیدالشهداء اقدام به قیام فرمودند. تا برای شما ممکن است منبر و سخنرانی را نباید فراموش کنید. جریان سید الشهداء همه شرف ماست. اگر می‌بینید در برخی از حسینیه‌ها و مراکز عزای مداحان و افراد کم‌اطلاع هستند که آن‌جا را اداره می‌کنند، برای آن است که علماء و فضلا از منبر کناره گرفته‌اند. آن وقت این می‌شود که منبرها و حسینیه‌ها با خواب و بیان مکاشفات اداره می‌شوند. حسینیه‌ها را که نمی‌شود با خواب‌ها اداره کرد.

اگر امام توانست آن کار با عظمت را انجام دهند و انقلاب را به ثمر برسانند، به برکت سیدالشهداء بود. انقلاب ما مدیون عاشورا و تاسوعاست. این کشور کشور ابا عبد الله الحسین است. سیدالشهداء شرف و ناموس ماست. باید به حرکت عزای حسینی محتوا بخشید. با جوان‌های عزیز و پاک صحبت کنید که این آهن سرد و بی‌روح (علمات) را کنار بگذارند.

صدا و سیما هم به جای آن که آهن سرد و بی‌روح (علمات) را نشان بدهد، بیشتر شور و شعور حسینی را نشان دهد. در زمان جنگ، در خاکریز اول جبهه صدا و نوای «حسین حسین» بر آسمان طنین انداز بود. نه صدای ای ایران!... اگر دیر بچنین، همان اتفاق صدر اسلام تکرار خواهد شد.

در کشور هند نگاه کنید که با ادرار و مدفوع گاو دارند دین خود را حفظ می‌کنند. مگر در عصر عقل و علم نیستند؟ ما در چنین عصری زندگی می‌کنیم. آن‌ها با ادرار و مدفوع گاو دین خود را حفظ کنند؛ ما با حسین بن علی علیه السلام دین خود را حفظ نکنیم؛ بنا به حال ما

باید با مداحان صحبت کرد و آنها را توجیه نمود تا مطالب واقعی و مستند را بیان کنند. به آن‌ها بفهمانید که با خواب و مسایل غیر صحیح نمی‌توانید دین خدا را حفظ کنید. شما ببینید در جریان قمین (قمی‌ها) بخشی از علمایی که در گذشته حدیث ضعیف نقل کرده‌اند، توسط بزرگان دین از قم تبعید شده‌اند. مگر مقتل و شعر مستند کم است که برای مردم خواب را مطرح می‌کنند؟ آن قدر سخن و حرف از بیداری‌ها هست که دیگر به بیان خواب نمی‌رسد. اگر کسی اهل معرفت باشد، واقعه عاشورا پوست و استخوان آدم را می‌سوزاند. ما که حرف‌های خواب‌آور بزنیم، مردم را هم خواب می‌کنیم. باید حرف عالمانه و منطقی بزنید تا دانشگاهی و اهل علم هم پای سخن شما بنشینند. آدم می‌تواند به گونه‌ای سخن بگوید و حرف بزند که خدا هم به آن قسم بخورد. وقتی خدا به مکتوب و کتابت قسم می‌خورد، به ملفوظ و مفهوم هم قسم می‌خورد «ان و القلم و ما یسطرون» همان‌گونه که مقاله‌ای بنویسد و خدا به آن هم قسم بخورد.